ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ■ مدیرمسئول: علی عالی ■ تلفن: ۱۴-۸۸۵۰۴۱۱۳ ■ نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ■ سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷-۸۸۵۰۱۳۰۰
-۸۸۷۴۶۵۸۳ ■ انتشارات: ۵و۸۸۵۴۸۸۹۲ ■ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰-۸۸۵۲۱۹۵۴ ■ نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ■ چاپ: ایرانیان

@iranvarzeshii

نظر خود را به این شماره پیامک کنید 3000 45 12 13

یکشنبه ۷ دی ۱۳۹۹- شماره ۶۶۶۰

www.INN.ir

info@inn.ir

گزارش آخر

علی بابازاده

دستاورد آرسنالی‌ها از شعار «Wenger out» چه بود؟

دوگانگی این روزهای هواداران آرسنال کاملاً قابل درک است؛ تصورات بر این بود که باشگاه با برکناری آرسن ونگر پا به دوران جدیدی از تاریخ خود بگذارد و با استخدام مربیان جوان‌تر، راه کسب جام‌های معتبر را هم پیدا کند و تنها به ترازمالی مثبت نیندیشد!

جدای از حضور کوتاه مدت اونای امری، باشگاه از عقد قرارداد با میکل آرتتا بازیکن سابق ونگر و دستیار پپ گواردیولا تنها یک خواسته داشت؛ بازیابی غرور از دست رفته.

آرسنالی‌ها راهی را رفتند که پیش‌تر رئال با زیدان، تاتنهام با پوچتینو و حتی لیورپول با یورگن کلوپ طی کرده بودند و نتیجه آن را هم گرفتند. با این همه جدایی آرسن از آرسنال، با رضایت کامل مربی فرانسوی صورت نگرفت و این خواسته‌های هواداران و شعارها و دست‌نوشته‌های «Wenger out» بود که زمینه قطع همکاری را فراهم کرد! «بعد از مشورت‌های بسیار سرانجام تصمیم گرفتم در انتهای فصل از هدایت نیمکت آرسنال کنار بروم. از تمامی هواداران خواهش می‌کنم در کنار تیم باشند تا بتوانیم به بهترین شکل ممکن فصل را به پایان برسانیم. از همه عاشقان باشگاه می‌خواهم که از ارزش‌های حقیقی آرسنال دفاع کنند و بدانند که من همواره عاشق این تیم خواهم ماند.»

سرانجام تاریخ ۲۲ ساله حضور ونگر در آرسنال «۲۰۱۸-۱۹۹۶» به پایان رسید و دوگانگی توپچی‌ها همچنان پابرجاست؛ آرسنال در زمان حضور مرد فرانسوی چه چیزی کم داشت و پس از برکناری‌اش، چه چیزی به دست آورد؟ دستاورد شعارهای اعتراضی و «لطفاً پول خرج کن» چه بود؟!

برای زیر سؤال بردن عملکرد آرتتا نیازی به بررسی تمام بازی‌های فصل جاری لیگ برتر انگلستان نداریم؛ بدون احتساب بازی با چلسی اوضاع این تیم در ۶ بازی آخرش گویای همه نکات مثبت و منفی است! چهار باخت در برابر تاتنهام، برنلی، اورتون، منچسترسیتی، یک تساوی در برابر ساوتهمپتون و تنها کسب یک برد برابر دانداک ایرلند و از سری رقابت‌های لیگ اروپا.

در روزهای سرمربیگری ونگر تصور آرسنال در رتبه پانزدهم جدول به شدت عذاب‌آور بود اما حالا با آرتتا توپچی‌ها نه تنها در جمع ۴ تیم برتر لیگ جزیره قرار ندارند، بلکه در صورت ادامه همین روند بدون شک خطر سقوط به چمپینوشیپ را بیش از پیش احساس خواهند کرد و شرایط بحرانی‌تر خواهد شد؛ ۱۴ امتیاز از ۱۴ بازی میانگین فوق‌العاده ضعیف یک امتیاز از هر بازی را برای توپچی‌ها به ثبت رسانده و این تیم لندنی در تمامی خطوط خود دچار مشکلات عدیده‌ای است.

شاید هنوز هم برند لنو و الکس رونارنسون ایسلندی نتوانسته‌اند خیال دوستداران این تیم لندنی را از داشتن یک دروازه‌بان تمام عیار راحت کنند. داوید لوئیز به قصد ترمیم خطوط دفاعی به امارات آمد اما او هم مرحمی بر زخم‌های عمیق خط دفاعی نبود و در کنار شکودران موستافی، راب هولدینگ و سوکراتیس یونانی تاکنون نتوانسته خیال میکل آرتتا را از وجود عناصر دفاعی مستحکم راحت کند. آرسنال در زمان آرسن ونگر به دنبال خرید بازیکنان جوان و کم نام و نشان بود و این روند تاکنون هم جزیی از سیاست‌های باشگاه لندنی است؛ با این همه اختلاف بین عصر ونگر و سایر مربیان چه بوده؟

پیرمرد فرانسوی ستارگانی را به هایبری و یا امارات می‌آورد که علیرغم جوانی، استعداد شگرفی برای شکوفایی و ستاره شدن داشتند؛ آرسنال با ونگر به مراتب در خرید بازیکنان جوان و تا حدی پا به سن گذاشته موفق‌تر عمل می‌کرد. مقایسه کارنامه ۲۲ ساله ونگر با آرتتا به هیچ وجه کار ساده‌ای به حساب نمی‌آید ولی اختلاف بین ینس لمن، گالاس، رابین فن پرسی، آرشاوین و تیری آنری با بازیکنانی چون ویلیان، نایلز، تیرنی، پیه، محمدالنی و متئو کولاسیناج به شدت فاحش است!

تیمی که از این بازیکنان بهره می‌برد، نمی‌تواند روی قهرمانی در لیگ جزیره حسابی باز بکند؛ تونی آدام در این خصوص می‌گوید: «به نظر من اکثر خریدهای جدید آرسنال بیهوده و ضعیف هستند. واقعاً در حال حاضر باید پروسه جذب بازیکن توسط آرسنال را زیر سؤال برد. ما در زمان آرسن ونگر، بازیکنان و اصول فوق‌العاده‌ای داشتیم. اگر ونگر بود، به سراغ یک بازیکن جوان می‌رفت و حتی فکر جذب ویلیان نیز به ذهن کسی خطور نمی‌کرد. از نظر فیزیکی و فنی ونگر می‌دانست که مهاجمان بالای ۳۰ سال ثمره آنچنان مثبتی برای تیم نخواهند داشت. مگر آنکه آن بازیکن یک فوق ستاره تمام عیار باشد!»

هفته‌های سخت‌تر و بازی‌های دشوارتر انتظار توپچی‌ها را می‌کشند؛ شرایط آن طور که انتظار می‌رفت نبود و دستیار سابق گواردیولا خیلی زودتر از حد موعد خطر اخراج را احساس می‌کند؛ در چنین شرایطی فشار روانی دوچندان به بازیکنان و کادرفنی تحمیل می‌شود، بخصوص حالا که رسانه‌های انگلیسی زمزمه‌ها و شایعاتی را از کم‌کاری برخی از بازیکنان تیم به چاپ می‌رسانند.

ماندگاری در رده‌های پایین جدول و سراشیبی سقوط، به نظر بحرانی زودگذر خواهد بود؛ بعید است که سقوط آرسنال به چمپیونشیپ رنگ حقیقت پیدا بکند مگر آنکه سرمربی اسپانیایی از برطرف کردن نقاط ضعف تیم عاجز باشد! آرسنال در فصل نقل و انتقالات زمستانی نیاز مبرم به جذب بازیکنان مستعد و کارآمد دارد؛ تقویت تیم یکی از بهترین راه‌های فرار از بحران خواهد بود چرا که یقیناً اخراج آرتتا به همان اندازه اشتباه است که قطع همکاری با آرسن ونگر خطا بود. توپچی‌ها با چنین کاری دست‌کم بخشی از هویت خودشان را از بین بردند.

زمانی که از آلن شیرر در خصوص حال و روز آرسنال و احتمال ماندگاری آنها در لیگ جزیره پرسیده شد، او گفت: «به بقا و موفقیت این آرسنال در لیگ جزیره چندان امیدوار نیستم! برخی از بازیکنان آرسنال تمام تلاش خود را برای سرمربی تیم انجام نمی‌دهند. یکی از آنها مهاجم ساحل عاجی تیم است؛ در بازی مقابل اورتون، نیکولاس پیه آماده ورود به محوطه جریمه نبود، آهسته می‌دوید و گاهی فقط راه می‌رفت. او باید بیشتر تلاش کند و آرتتا مجبور است نفراتی را به زمین بفرستد که هم به بقای باشگاه و هم به بقای خودشان کمک کنند!»

عکس روز

قایقرانی در هوای برفی

مجید جواهری ورزشکار ۲۷ ساله مشهدی در رشته کایاک قایقرانی که مدال‌آور نقره مسابقات کشوری و طلا در مسابقات دانشجویی است، این روزها در ۴۰ کیلومتری مشهد در سد طرق با وجود شرایط نامساعد آب و هوایی و برفی همچنان به تمرینات خود ادامه می‌دهد تا بتواند به هدفش برسد. همانطور که می‌دانید قایقرانی ورزشی است که به صورت تک‌نفره و گروهی در آب‌ها انجام می‌شود اما قایقرانی کایاک نام رشته‌ای است که قایقران به تنهایی با قایقش به این ورزش می‌پردازد.

این عکس‌ها را حدیث فقیری برای خبرگزاری فارس ثبت کرده.

کاریکاتور

عمر ممانی

باورش سخت است اما زمانی همه این ستاره‌های مندرج روی درخت کریسمس، در تیم میلان کنار همدیگر بازی می‌کردند. آنجلوتی شاید در آن سال‌ها با داشتن چنین ترکیبی بهترین هدیه کریمسس را در اختیار داشت والبته با میوه درختش هواداران روسونری را هم سیراب می‌کرد.

طنزیم

مومن جعفری

حفظ اخلاق و ارزش‌ها

اینکه بازیکنان و مربیان دو تیم ماشین‌سازی و نفت مسجد سلیمان بعد از پایان بازی از خجالت هم درآمده‌اند و هر بلایی که توانسته‌اند سر همدیگر آورده‌اند، از نظر بنده نه ایرادی دارد نه غیر طبیعی است. بالاخره شطرنج که بازی نمی‌کنیم. فوتبال است و برخورد. حالا یک زمانی شما را تکل می‌کنند یک زمانی شما با مشت می‌زنید پس گردن بازیکن و مربی تیم مقابل! مهم این است که دوستی‌ها و ارزش‌ها و مسائل اخلاقی زیر سؤال نرود که نرفت!

اتفاق بدی که رخ نداده. چند نفر آدم عاقل و بالغ همدیگر را کتک زدند و تمام شد رفت. شما هم خیلی این ماجرا را بزرگ نکنید. چه ایرادی دارد؟ آدم است دیگر! یک روز اعصابش خراب می‌شود. خدا را شکر کنید در غرب استعماری نیستید که کار به جایی برسد که بازیکنان در آفریقا مسلسل بردارند و همدیگر را بکشند یا در آمریکای لاتین، لات بازی دربیاورند و سر داور را با چاقو ببرند. یک دعوای مردانه‌ای بود که تمام شد و رفت. جدی نگیرید.

مهم این است که اخلاق و ارزش‌های ورزشی زیر سؤال نرود که نرفت!

اصلاً خود حافظ هم فرموده: «دامنی گر چاک شد در عالم رندی چه باک»! منظورش دقیقاً همین مسابقه‌ای بود که طرفین دامن همدیگر را چاک دادند!

***

خب به سلامتی امید روانخواه هم به کادرفنی شهرخودرو اضافه شد. گویا مهدی رحمتی قصد دارد از این به بعد جای پرتاب کردن توپ به داخل زمین، تیمش را با استراتژی تازه‌ای وارد مسابقات کند. البته با توجه به سابقه روانخواه در سقوط دادن تیم‌ها یا برکنار شدن از تیم‌ها، باید ببینیم این تغییر ایجاد شده دقیقاً چه تحولی را در این تیم ایجاد می‌کند!

نفر به نفر

علی کمانگری

وطنی، آینه تمام‌نمای امکانات سخت‌افزاری فوتبال ایران

من، رویایی دارم!

نایب قهرمان آسیا در اولین بازی خود بعد از اتمام رقابت‌های آسیایی‌اش به زمین سفت و البته باتلاقی وطنی قائمشهر برخورد کرد و در نهایت به سختی توانست با گل دقایق پایانی سیامک نعمتی دست پر به تهران برگردد. چمن ورزشگاه وطنی آنقدر بد بود که حتی پرسپولیس، بهترین تیم فوتبال ایران در کار با توپ هم مجبور شد در سراسر نیمه دوم روی به بازی مستقیم آورد و روی همین توپ‌ها و ضربات ایستگاهی خلق موقعیت کند. این سومین تساوی فصل پرسپولیس در پنجمین بازی خود بود و جالب اینجا است که هر سه این تساوی‌ها در بازی‌های خارج از خانه و به ترتیب در ورزشگاه‌های دستگردی، بهنام محمدی و وطنی به دست آمده است. چمن هر سه این ورزشگاه‌ها نسبت به ورزشگاه آزادی وضعیت بدتری دارد و پرسپولیس در گردش سریع توپ در این سه مسابقه به مشکل خورده است. مسأله‌ای که کاملاً در امتیازهای از دست رفته این تیم تأثیرگذار بوده است. اما اتفاقات ورزشگاه وطنی در شرایطی به وقوع پیوست که فدراسیون فوتبال ایران این روزها در تلاش برای تصاحب میزبانی جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ است و همین چند روز پیش هم از کلیپ معرفی ورزشگاه‌های ایران رونمایی شد. کلیپی که در آن از تصویر ورزشگاه ویسنته کالدرون، ورزشگاه قدیم باشگاه اتلتیکو مادرید، برای معرفی ورزشگاه مس رفسنجان استفاده شده بود! پرسشی که از ابتدا مطرح بود و همچنان هم روی میز است، چرایی تلاش فدراسیون‌نشینان برای تصاحب میزبانی جام ملت‌ها است، در حالی که همگان در کشور خودمان بر این اعتقاد راسخند که فوتبال ما امکان میزبانی از چنین رویداد عظیمی را ندارد. ما هنوز از انجام ابتدایی‌ترین کارها، مثل حفظ چمن در شرایط جوی مناسب، عاجزیم. هنوز نمی‌دانیم وقتی از قبل مشخص است روز مسابقه یا روزهای قبل از آن باران می‌بارد، باید روی چمن را با کاور بپوشانیم. حتی در مواردی دیده شده که بلد نیستیم کاور پهن شده را از روی چمن جمع کنیم! تکلیف میزبان جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ به زودی مشخص خواهد شد و بر همگان مثل روز روشن است که کشور انتخابی، ایران نخواهد بود. بهتر است دوستان به جای برنامه‌ریزی برای میزبانی مهم‌ترین تورنمنت قاره در ۷ سال آتی، برنامه‌ای بلندمدت برای تکمیل امکانات سخت‌افزاری فوتبال ایران در ۷ سال آینده بریزند؛ آنگاه تازه می‌توان رویای میزبانی جام ملت‌ها را در سر پروراند.

کرنر

سامان موحدی راد

حرمت امامزاده با متولی است

بیست سالگی مبارک

امسال بیستمین دوره رقابت‌های لیگ برتر در حال برگزاری است. یعنی روی کاغذ بیست سال است که فوتبال در ایران به سمت حرفه‌ای شدن پیش رفته است. از زمانی که کنفدراسیون فوتبال آسیا اعلام کرد کشورهای آسیایی باید به سمت فوتبال حرفه‌ای بروند و لیگ فوتبال حرفه‌ای داشته باشند ایران هم بالاجبار پا در این راه گذاشت اما انتظاری که مدیران کنفدراسیون فوتبال آسیا از فوتبال حرفه‌ای داشتند احتمالاً با تصورات مدیران ایرانی فوتبال متفاوت بود. احتمالاً در ایران فکر می‌کردند این حرکت به معنی این است که دیگر از پدیده‌ای چون لیگ فرسایشی که یک بار در جام آزادگان اتفاق افتاده بود و مسابقات بیش از یک سال به طول انجامیده بود، خبری نیست و باید برای لیگ نظم و نظام بهتری تدارک دید. آنچه اما در ذهن مدیران کنفدراسیون فوتبال آسیا بود، متدی متأثر از جریان حرفه‌ای در دنیای فوتبال بود.

باشگاهداری حرفه‌ای و ایجاد چرخه درآمدزایی از فوتبال که لاجرم منجر به خلق پول از این صنعت می‌شود. چیزی که چرخ‌های ماشین فوتبال را به درستی می‌چرخاند. همین جریان پولی درست و شفاف منجر می‌شود تا تیم‌ها زیرساخت‌های درستی برای خودشان تدارک ببینند، استعدادهای جوانی را به باشگاه بیاورند و سعی کنند مدام کیفیت خودشان را بالا و بالاتر ببرند تا تماشاگر بیشتری به ورزشگاه، پای تلویزیون و فروشگاه‌های‌شان بکشانند و به این ترتیب چرخه مالی فوتبال را کامل کنند.

حالا و ۲۰ سال بعد از آغاز رقابت‌های حرفه‌ای فوتبال در ایران بد نیست نگاهی به آن بیندازیم و ببینیم این چرخه مالی منجر به شکل گیری چه باشگاه‌هایی، حفظ چه تیم‌های قدیمی و همچنین تجهیز و نوسازی و البته ساخت چه ورزشگاه‌ها و زیرساخت‌های جدیدی برای فوتبال ایران شده است. یکی همین چند روز پیش و در ورزشگاه وطنی رخ داد. وقتی پرسپولیس از فینال آسیا به ورزشگاه وطنی قائمشهر آمد تا در شرایطی عجیب و چمنی نامتعارف بازی کند، کیفیت ۲۰ سال حرفه‌ای گری بیش از پیش خودش را نمایان کرد. چیزی که البته پیش از این هم بارها واقعیت خودش را نشان داده بود. وقتی در یکی از بازی‌های هفته گذشته یک مربی برای اینکه تیم حریف در موقعیت حمله قرار نگیرد، یک توپ را به داخل زمین شوت کرد تا جلوی حمله حریف را بگیرد. اتفاقی که بعید می‌دانم در لیگ محلات هم رخ بدهد اما به مدد دیکته کردن ۲۰ سال حرفه‌ای گری در سطح اول فوتبال ما رخ می‌دهد. در فارسی ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید: «حرمت امامزاده با متولی است». چیزی که اینجا هم صادق است و تعهد و باور مدیران فوتبالی ایران به سطح حرفه‌ای گری و استانداردهایش موجب شده تا مربی و بازیکن و مدیر تیم‌های لیگ برتری هم آن را تا این حد بی‌اعتبار و بی‌حرمت کنند.

نگاهی به امکانات تیم‌های لیگ برتری به خوبی نشان می‌دهد که ره‌آورد فوتبال حرفه‌ای به سبک ایرانی برای باشگاه‌های ما چه بوده. هنوز هم که هنوز است در هر فصل باشگاه‌هایی داریم که پول مخارج روزمره خود را ندارند و بعضاً در میانه‌های لیگ تهدید به کناره‌گیری می‌کنند. وضعیت زیرساخت‌ها و ورزشگاه‌ها هم که چنین است. با همه اینها امید به کسب میزبانی جام ملت‌ها هم داریم.

سام ستارزاده

گزارش یک پرونده

نمایش عصر حجری در قائمشهر

غرق در گرداب قحطی امکانات

تابستان سال گذشته بود که با بهانه «نبود زیرساخت‌های مناسب در ورزشگاه‌ها»، آغاز لیگ نوزدهم حدود یک ماه به تأخیر افتاد؛ تأخیری که اگر نبود، شاید تقویم فوتبال امسال‌مان فشردگی کمتری می‌داشت و ما روزهای پایانی رقابت بر سر قهرمانی نیم‌فصل را در لیگ خلیج فارس دنبال می‌کردیم اما به جای آن، ما رویارویی پرسپولیس و نساجی را که معوقه هفته پنجم بود، تماشا کردیم تا نظاره‌گر حاصل تحولات صورت نگرفته در آن یک ماه طلایی باشیم.

غرق شدگی ورزشگاه شهید وطنی در آب، نمودی از غرق شدگی فوتبال ایران در گرداب قحطی امکانات است. چند روز قبل از این افتضاح، فیلمی از ورزشگاه شهید چمران شهرستان ساوه که میزبان دیدارهای خوشه طلایی در دسته یک است، در فضای مجازی منتشر شد. خواستم بنویسم «چمن ورزشگاه ...» ولی دیدم نادرست است؛ چون چمنی در کار نبود! تلی از خاک بود که در فیلم مربوطه نشان داده می‌شد اگر توپی از ارتفاع دو متری روی آن انداخته شود، آن توپ بالا نمی‌آید.

داستان آبگرفتی قائمشهر زمانی در فضای فوتبال کشور طعنه‌آمیزتر می‌شود که به هفتمین! کلیپی که از فدراسیون فوتبال با مضمون نامزدی برای میزبانی جام ملت‌های آسیا ۲۰۲۷ منتشر شد، رجوع کنیم. قطر و عربستان سعودی، رقبای ما برای اخذ میزبانی، حتی یک کلیپ هم نساخته‌اند و هزینه خود را صرف ارتقای کیفیت چمن ورزشگاه‌های‌شان، به کارگیری تکنولوژی جذب آب و گرمایشی برای نگهداری از کیفیت چمن و تهیه تکنولوژی روز دنیا جهت ترمیم و بازسازی استاندارد چمن کرده‌اند. البته در خارج ایران، به جای کلیپ هفتم فدراسیون شعارمحور فوتبال به اضافه شش کلیپ قبلی، توئیت نواف الآسیوی (خبرنگار سرشناس سعودی) راجع به نحوه مقابله خدمه ورزشگاه شهید وطنی با آبگرفتگی است که دیده می‌شود؛ توئیتی که ویدئوی ضمیمه آن نشان می‌دهد ابزاری پیشرفته‌تر از تی چوبی و ماشین تخلیه چاه در اختیار برگزارکنندگان مسابقه نبود. واکنش‌ها به این توئیت (از سوی اعراب) هم دست کمی از آبروریزی ملی نداشت. یکی کشورمان را «عصر حجری» می‌خواند. دیگری به کنایه می‌گفت «چند روز دیگر، وارد سال ۲۰۲۱ میلادی می‌شویم؛ ولی اینها توانایی کنترل آب باران را هم ندارند.»

در فوتبالی که به لطف وجود چنگال انحصار دولتی یک صنعت کوچک و زیان‌ده باقی مانده، نباید از بخش خصوصی انتظار داشت که در فراهم‌آوری ساده‌ترین زیرساخت‌های فنی لازم بهتر از نساجی عمل کند. شهرستانی که محمد عباس‌زاده و مهدی عبدی تنها دو نمونه از استعدادهای گرانبهایش هستند، مانند اکثر نقاط سطح اول و سطوح دیگر فوتبال ایران، از بهره‌مندی از حقوق مالی خود نظیر حق پخش تلویزیونی و قانون کپی‌رایت محروم است. در چنین فضایی، یک مدیر تا چه اندازه فرصت و انرژی این را داشته باشد که روی مسأله‌ای غیر از خرید بازیکن و مربی برای به رخ کشیدن توانایی‌هایش تمرکز کند؟

البته نمی‌توان چشم پوشید که ما در مجموع، در ساخت و بهره‌برداری از ورزشگاه‌های مجهز نظیر فولاد آرنا و امام رضا(ع) در چند سال اخیر تا حد خوبی موفق عمل کرده‌ایم. ولی هنوز، بسیاری از زیرساخت‌های اولیه را نه تنها در ورزشگاه‌ها، بلکه بطور شدیدتر آن، در زمین‌های تمرین تیم‌های لیگ برتری نمی‌بینیم. این معضل با شعار، کلیپ‌سازی و تصمیمات خلق‌الساعه و کوتاه‌مدت هم رفع نمی‌گردند؛ مگر آنکه دست به یک تغییر ساختاری در نگرش و عمل خود نسبت به فوتبال کشورمان بزنیم.

سوژه

میعاد نیک

وطنی قائمشهر و یک دنیا پساب

شیوع ویروس سوءمدیریت در باتلاق

برگزاری ۹۰ دقیقه تقابل بین نساجی و پرسپولیس در باتلاق مصنوعی استادیوم وطنی قائمشهر حاکی از پوزخندها و طعنه‌های بزرگی به مسئولان فدراسیون فوتبالی بود که خودشان را مدعی میزبانی از بزرگترین رویداد فوتبالی قاره آسیا در سال ۲۰۲۷ می‌دانند. تقابل معوقه از هفته پنجم لیگ برتر فوتبال ایران که روی چمن مصنوعی استادیوم خانگی باشگاه نساجی برگزار شد، از منظر فنی و تاکتیکی چیزی برای پرداختن و اشاره کردن نداشت اما همین تک بازی نماد بارزی از شیوع کشنده ویروس سوءمدیریت در بطن فوتبال ما است.

تصاویری پیش از آغاز این مسابقه فوتبال منتشر شد که آب جمع شده بر چمن مصنوعی بی‌کیفیت استادیوم وطنی که بی‌شباهت به قطعه‌ای موکت سبز هم نیست در حال جمع‌آوری توسط حامد لک گلر تیم پرسپولیس است تا شدت فاجعه را نشان دهد. اینکه استادیوم‌های شهرهای شمالی و پر باران کشور به دلیل مسائل آب و هوایی با چمن مصنوعی پوشانده شود، دقیقاً مصداق بارز پاک کردن صورت مسأله توسط هیأت‌های فوتبال استانی و سازمان لیگ و فدراسیون فوتبال است. در فوتبال مدرن اروپایی و در کشور همیشه بارانی انگلستان بارها مشاهده کرده‌ایم که سیستم زه‌کشی صحیح و اصولی چمن طبیعی استادیوم‌ها همیشه به نقطه قوتی برای برگزاری بازی‌های لیگ برتر تبدیل شده و حتی در شرایط سخت جوی هم بازی‌ها لغو نشده‌اند. سال‌ها پیش در بازی‌های تیم‌های ملوان، پگاه و یا داماش به خاطر داشتیم که محوطه جریمه تبدیل به یک محیط گل‌آلود و حتی مناسب برای کشت برنج تبدیل می‌شوند اما این چمن مصنوعی در استادیوم وطنی نشان داد که مدیران استانی و مسئولین کمیته برگزاری مسابقات سامان لیگ از حداقل پروتکل‌ها برای برگزاری مسابقات مطلع نیستند و یا ابایی از آبروریزی ندارند.

فدراسیون فوتبال همان جیب خالی‌ای است که پُزهای عالی می‌دهد و ترشی می‌خورد تا اشتهایش باز شود اما دریغ از یک سکه پول سیاه برای غذایی ساده.